



برای تماشای این گفت‌وگو کد را اسکن کنید

متولد: ۱۳۴۲

تحصیلات:
لیسانس
علوم تربیتی

ویژگی:
مجری سابق برنامه
کودک تلویزیون

حکایت سر به فلک کشیده‌ها
روایت ساخت نخستین سازه‌های مسکونی بلند مرتبه پایتخت که شنیدنش تازگی دارد

چراغ آسمان فارسی
حرم حضرت احمد بن موسی الکاظم، سومین قطب مذهبی کشور مان است



دهه نودی‌ها پر انرژی و شگفت‌انگیز هستند

گفت‌وگو با الهه رضایی
مجری خاطرات
نوستالژیک دهه
شصتی‌ها که
هنوز با کودکان
سروکار دارد

عکس: همشهری/احمد عباسی-نژاد-صورتور سارزی/حمید یزدانی

فیلم کده

آخر هفته چی ببینیم؟

افراد بسیاری علاقه‌مند هستند تا اوقات فراغت خود را با تماشای فیلم و مسابقات روز که توسط شبکه‌های سیمیا یا نمایش خانگی پخش می‌شود، پر کنند؛ بنابراین دانستن اینکه این شبکه‌ها چه برنامه‌هایی در دست پخش دارند، خالی از لطف نیست. با ما همراه باشید.

سریال

گیل دخت

کارگردان: مجید اسماعیلی
بازیگران: محمود پاک‌نیت، سعید راد، میترا فرعی

ژانر: درام و تاریخی
زمان پخش: پنجشنبه و جمعه ساعت ۲۲:۱۵
بستر پخش: تلویزیون

فصل: اول
تعداد قسمت‌ها: ۲۲ (در حال پخش)

سریالی تاریخی است که از شبکه اول سیمیا پخش می‌شود. این سریال روایت زندگی گلنار و اسماعیل میرشاکار، ۲ جوان اهل شمال ایران است که در زمان حکومت مظفرالدین شاه قاجار دلباخته هم می‌شوند و ناخواسته در معرض ماجراهای پیچیده قرار می‌گیرند.

سریال

تب و تاب

کارگردان: داریوش مختاری
بازیگران: محمود پاک‌نیت، فرشته سرابندی، خیام وقار کاشانی

ژانر: خانوادگی
زمان پخش: هر شب ساعت ۲۱:۱۵
بستر پخش: تلویزیون

فصل: اول
تعداد قسمت‌ها: ۲۲ تا ۲۷ (تاکنون ۱۹)

با موضوع خانواده ایرانی و توجه به «سبک زندگی ایرانی اسلامی»، از شبکه ۲ سیمیا روانه آنتن شده است. در این مجموعه تلاش شده تا موضوعاتی که خانواده‌ها با آن مواجه هستند در قالب ملودرام‌های اجتماعی روایت شود.

سریال

دیو و ماه پیشونی

کارگردان: حسین قناعت
بازیگران: علی صالقی، حسن پوربهریزی، افسانه بایگان، لیلیا اوتادی

ژانر: درام، خانوادگی
زمان پخش: سه‌شنبه ساعت ۲۰
بستر پخش: فیلمبو، فیلم‌نت

فصل: اول
تعداد قسمت‌ها: ۱۲ (در حال پخش)

با موضوع خانواده ایرانی و توجه به «سبک زندگی ایرانی اسلامی»، از شبکه ۲ سیمیا روانه آنتن شده است. در این مجموعه تلاش شده تا موضوعاتی که خانواده‌ها با آن مواجه هستند در قالب ملودرام‌های اجتماعی روایت شود.

برنامه

سرگرمی

تی‌ان‌تی

کارگردان: حامد آهنگی
مجری: حامد آهنگی

ژانر: ژانر کمدی، شوخ، خانوادگی
زمان پخش: دوشنبه ساعت ۸
بستر پخش: فیلمبو

فصل: اول
تعداد قسمت‌ها: ۸ (در حال پخش)

«قراره آدرن تا این خونمان بیسپه به سفق»؛ این شعار تیم سازه مسابقه «تی‌ان‌تی» است و برای دوروز اول سال ۱۴۰۲ ویزیرنامه‌ای داشت که با استقبال مخاطبان مواجه شد. در این مسابقه شرکت‌کنندگان کارهای خاص و هیجان‌انگیزی انجام داده و گاه فالگیر می‌شوند.

برخی هم با مطالعه و... حالشان بهتر می‌شود. من به دوستانم که حالشان خوب نیست مطالعه کتاب «از حال بد به حال خوب» اثر دیوید برنز را توصیه می‌کنم.

پس اهل مطالعه هم هستید. این روزها چه کتابی می‌خوانید؟

بله، کتاب «انسان در جست‌وجوی معنا» که شرح زندگی نام‌های روان‌پزشکی است که در جنگ جهانی در زندان آلمان با اسیر بود و باور داشت که پیدا کردن معنا و هدف در زندگی می‌تواند کلید خوشبختی یا رفاقت انسان باشد. این کتاب به ما یادآوری می‌کند که انسان وقتی در موقعیت‌های ناخواسته قرار بگیرد کارهایی می‌کند که هرگز در شرایط عادی انجام نمی‌دهد.

با چاه‌جا کردن برنامه‌های تان به زحمت فرصتی پیدا کردید که مهمان ما باشید؛ پیداست سر تان حساسی شلوغ است.

بله متأسفانه احساس مسئولیتم در قبال خیلی چیزها زیاد و طبیعی است که سرم حساسی شلوغ است.

اوقات فراغت دارید؟

راستش نه. گرفتاری‌های زندگی، رسیدگی به اطرافیان، بیماری‌ها و مشغله‌های روزمره فرصتی برای فراغت نمی‌گذارد. هر چند مدتی است تلاش می‌کنم در روز ساعتی را به خودم اختصاص دهم و حداقل مطالعه را کم نکنم.

اهل سفر هستید؟

نه چندان.

چرا؟

به‌خاطر گرفتاری‌های زندگی.

آخرین باری که کجا سفر رفتید؟

اگر بخواهم به سفر بروم به‌خاطر آرزوی‌ای که دارم ترجیح می‌دهم به شمال بروم. آخرین بار حدود دو ماه پیش یک سفر دو روزه به شمال داشتم. ولی هرسال است که یک سفر درست و حسابی نرفته‌ام.

این روزها آگهی‌های بازگانی از تلویزیون پخش شده که ششما در آن حضور دارید. این آگهی گمانه‌زنی‌هایی را در فضای مجازی برای حضور دوباره شما در تلویزیون موجود آورده. مشتاقیم توضیح تان را در این باره بشنویم.

بله خیلی‌ها با من تماس گرفتند و گفتند تو داری برای تلویزیون اسباب‌بازی تبلیغ می‌کنی؟! راستش من خودم این آگهی را ندیدم اما با توضیحاتی که شنیدم فهمیدم داستان چیست. ماجرا این است که سال ۱۳۹۷ با شرکت آموزشی برای معرفی یک بسته آموزشی همکاری کردم؛ همان سال این کلیپ پخش شد اما ظاهراً دوباره بازپخش شده و این گمانه‌زنی‌ها را به‌وجود آورده است.

یعنی قرار نیست شما را در قامت مجری برنامه کودک دوباره ببینیم؟

راستش چند ماهی است که با یک مجموعه مشغول آماده کردن یک کار عروسکی آموزشی نمایشی هستیم. البته هنوز معلوم نیست این برنامه در کدام پلتفرم شبکه خانگی پخش یا به چه صورت عرضه شود. احتمالاً هفته‌های آینده مشخص می‌شود.

آرزو می‌کنم مردمان هر جا هستند سلامت باشند. مشکلات‌شان کمتر شود، حالشان خوب باشد و خوشحالی به زندگی همه‌مان برگردد.

این همه انیمیشن و کارتون برایمان پخش کردید، خودتان هم اهل تماشای کارتون بودید؟

وقتی مجری شدم راستش وقت نداشتم کارتون ببینم چون بیشتر اوقات هنگام پخش باید به متن‌ها نگاه یا با همکارانم صحبت می‌کردم. ولی کارتون دوست داشتم.

چه کار تونی را دوست داشتید؟

تنسی تاکسیدو، پلنگ صورتی و کارتون‌های سریالی مثل باخانمان راسعی می‌کردم. حتماً ببینم.

برنامه‌های طنز کودک را هم دوست دارید؟

چون آدم جدی هستم کارهای طنز را خیلی نمی‌پسندم، مگر اینکه خیلی فاخر باشند و لودگی نداشته باشند.

بیشتر با گفت‌وگویی ما درباره حال خوب هست. حال شما خوبه؟

راستش نه. هر چند باید سعی کنیم حالمان را خوب کنیم اما الان حال چندان خوب نیست چون ما آدم هستیم و سنگینی بودن آن روزها که هنوز تبعاتش باقی مانده چقدر ترس و اضطراب داشتیم و عزیزان بسیاری را از دست دادیم چون در کلاس‌های مثل تهران زندگی می‌کنیم هر روز با مشکلاتی مثل آلودگی هوا، ترافیک، شلوغی سروکار داریم از همه اینها مهم‌تر مشکلات اقتصادی جامعه است که نمی‌گذارد حالمان خوب باشد هر چند باید سعی کنیم حالمان را هر طور هست خوب کنیم.

به‌نظر شما چطور می‌توانیم حالمان را خوب کنیم؟

هر شخص با توجه به روحیاتش باید برگردد و ببیند چه چیزی حالش را بهتر می‌کند. یکی با دیدن دوستان و آشنایان و دورهمی، دیگری با تماشای فیلم، یکی با سفر، محدودیت‌های محدودیت‌ها لازم است و این محدودیت‌ها دلیل بر تنبیه نیست.

حالا که با دهه نودی‌ها سروکار دارید، در یک جمله چطور توصیف‌شان می‌کنید؟

بسیار پرانرژی، باهوش، شگفت‌انگیز، علاقه‌مند به موضوعات جدید و دوست داشتنی هستند.

با خانواده‌ام تبانی کردی!

خانم مجری در لابه‌لای بیان خاطراتش با خنده می‌گوید: مردم با دیدن من همیشه هم یاد خاطرات خوش نمی‌افتند مثلاً یک‌بار ماشینم را به کارواش برده بودم. آقایی که آنجا بود و اسمش هم از اتفاق حامد بود تا مرا دید گفت: خانم رضایی ازت نمی‌گذرم! با تعجب و ترس گفتم یا خدا... چرا؟! چی شده؟! گفت من از بچگی عادت داشتم سیب را گاز بزنم و بخورم و همیشه مادرم می‌گفت اینجوری نخور قاج کن چون دندان‌ت درد می‌گیرد و... اما من حرفش را گوش نمی‌کردم. یک روز که داشتم برنامه‌شمار می‌دیدم و سبب می‌خوردم یک دفعه شما گفتی «حامد کوچولو...! این چه مدل سیب خوردنه... بچه خوب باید سیب رو قاج بزنه و بعد بخوره...» خلاصه دهانم باز مانده بود و سیب در دستم حاج و واج نگاه می‌کردم.

آن روز آن سیب زهر شند، چون احساس می‌کردم ششما من را می‌بینی و تا مدت‌ها فکر می‌کردم با خانواده‌ام تبانی کرده‌ای و... خلاصه هر وقت می‌خواهم سیب بخورم یاد شما می‌افتم... خلاصه ماجرای جالبی بود. هر روز که من به خاطر اینکه ناخواسته سیب خوردم آن روزش را زهر کرده بودم طلب بخشش کردم.

شما مجری محبوب کودکان دبروز و بزرگسالان امروز هستید، چرا از برنامه کودک تلویزیون خداحافظی کردید؟

راستش را بخواهید در اوایل دهه ۸۰ بود که سازندگان و عوامل برنامه‌های کودک برنامه‌هایی می‌ساختند که شلوغ بود و عوامل با جیغ و فریاد حرفشان را می‌زدند. من آدم آرامی هستم و با جیغ و فریاد کشیدن کاملاً مخالفم برای همین با مدیران آن زمان تلویزیون به توافق نرسیدم و کار کودک را کنار گذاشتم.

با اینکه سال‌هاست در تلویزیون ظاهر نشده‌اید، مردم هنوز هم شما را می‌شناسند، راز این ماندگاری را چه می‌دانید؟

بله همینطور است، تقریباً همه ما چرا می‌شناسند و به لطف دارند. گاهی هم از روی صدایم می‌شناسند و می‌گویند صدای تان اصلاً عوض نشده. اینها لطف مردم است.

بعد از تلویزیون مشغول چه کاری شدید؟

چون عاشق بچه‌ها بودم و هستم بعد از تلویزیون با کمک خواهرم یک مهد کودک راه انداختم و تمام این سال‌ها در مهد کودک با بچه‌ها سروکار دارم و از کار لذت می‌برم.

چند دهه با بچه‌ها سروکار داشته‌اید و علاوه بر این رشته تحصیلی تان هم علوم تربیتی بوده، به‌نظر شما این همه تفاوت نسل‌ها به‌خاطر چیست؟

تفاوت‌ها به‌خاطر حضور پررنگ بچه‌ها در شبکه‌های اجتماعی است و از آن مهم‌تر آموزش‌هایی که والدین از متخصصان و روانشناسان گرفتند و به بچه‌ها اجازه می‌دهند که خودشان را بروز دهند. این اتفاق خوبی است، هر چند معتقدم در بعضی موارد زیاد روی شده و گاهی اعمال برخی محدودیت‌ها لازم است و این محدودیت‌ها دلیل بر تنبیه نیست.

پس از پخش این برنامه با گلابیه و انتقادی هم مواجه شدید؟

باز خورد‌ها خیلی مثبت اما گاهی گلابیه هم بود مثلاً بعضی‌ها می‌گفتند ما در بچگی نقاشی‌های مان را برای برنامه کودک می‌فرستادیم چرا پخش نشد. در عالم کودک‌کی حق داشتند چون با امید و انگیزه نقاشی می‌کشیدند و روزها و ساعت‌ها منتظر پخش نقاشی‌هایشان بودند اما گاهی به‌دلیل حجم زیاد نقاشی‌ها یا اینکه از نظر کیفی با رنگ و موضوع شرایط خوبی نداشتند پخش نمی‌شد ولی بچه‌ها این موضوعات خبر

چون نقاشی من را پخش نکردی از دست عصبانی بودم و به خیال اینکه خیست کنتم، یک لیوان آب ریختم روی تلویزیون و تلویزیون سوخت و آن شب کتک مفصلی از پدر و مادرم خوردم.

بچه‌های دبروز خوب یادشان است که همیشه در برنامه کودک به یک موضوعی خیلی تأکید داشتید، یاد تان هست؟

(با خنده) بله یادم است مدام به بچه‌ها می‌گفتم باز که جلوی تلویزیون نشستید... یاد عقب... عقب... عقب... دلیلی هم این بود که وقتی خیلی بچه بودیم با برادرم جلوی تلویزیون می‌نشستیم و کارتون می‌دیدیم و بعدش از چشم‌مان اشک می‌آمد. وقتی به دکتر رفتیم تأکید کرد که نشستنت نزدیک به تلویزیون برای چشم ضرر دارد. من هم وقتی مجری شدم دلم می‌خواست همه نکات آموزشی را به بچه‌ها یاد بدهم. البته این موضوع رو بعدها در قالب طنز خیلی‌ها به من یادآوری کردند و می‌گفتند چقدر می‌گفتی برویم عقب؟!... خوب به دیوار می‌خوردیم... (می‌خندد)

گفت‌وگو بر برنامه‌های روزهای دبروز

روزهایی که در عین تلخی حوادث جنگ، صدای مهر بانسنت روزهای خوب دبروز و خیلی از پدر و مادرهای امروز رقم زد. الهه رضایی که این روزها نیز نامش در لابه‌لای اخبار آمده و قرار است دوباره به شکل دیگری، مهمان خانه‌ها یمان شود. خانم مجری، ضمن مرور خاطرات نوستالژیک از حال و هوای این روزهای مجری دوست‌داشتنی دوره کودک‌کی مان با خبر شده‌ایم.

بازگری داشتیم اما قبول نکردم و گفتم من بازیگر نیستم. سال ۱۳۸۹ با برنامه «بچه‌های دبروز» دوباره به تلویزیون برگشتید. از آن برنامه چه باز خوردهایی گرفتید؟

برنامه بچه‌های دبروز به پیشنهاد یکی از دوستان در شبکه ساخته شد. هدف این بود که گذشته را ورق بزنیم و خاطرات نوستالژیک را زنده کنیم. از پیام‌هایی که فرستاده و تلفن‌هایی که به عوامل برنامه زده می‌شد، متوجه شدیم این برنامه خیلی مورد استقبال مردم قرار گرفته است. حتی یک بخش از برنامه پخش نقاشی‌های ارسالی بود. آدم‌ها ۴۰ - ۵۰ ساله و ۶۰ ساله برامان با همان سبک و سیاق کودک‌کی نقاشی می‌فرستادند و ما پخش می‌کردیم.

پس از پخش این برنامه با گلابیه و انتقادی هم مواجه شدید؟

باز خورد‌ها خیلی مثبت اما گاهی گلابیه هم بود مثلاً بعضی‌ها می‌گفتند ما در بچگی نقاشی‌های مان را برای برنامه کودک می‌فرستادیم چرا پخش نشد. در عالم کودک‌کی حق داشتند چون با امید و انگیزه نقاشی می‌کشیدند و روزها و ساعت‌ها منتظر پخش نقاشی‌هایشان بودند اما گاهی به‌دلیل حجم زیاد نقاشی‌ها یا اینکه از نظر کیفی با رنگ و موضوع شرایط خوبی نداشتند پخش نمی‌شد ولی بچه‌ها این موضوعات خبر

چون نقاشی من را پخش نکردی از دست عصبانی بودم و به خیال اینکه خیست کنتم، یک لیوان آب ریختم روی تلویزیون و تلویزیون سوخت و آن شب کتک مفصلی از پدر و مادرم خوردم.

بچه‌های دبروز خوب یادشان است که همیشه در برنامه کودک به یک موضوعی خیلی تأکید داشتید، یاد تان هست؟

(با خنده) بله یادم است مدام به بچه‌ها می‌گفتم باز که جلوی تلویزیون نشستید... یاد عقب... عقب... عقب... دلیلی هم این بود که وقتی خیلی بچه بودیم با برادرم جلوی تلویزیون می‌نشستیم و کارتون می‌دیدیم و بعدش از چشم‌مان اشک می‌آمد. وقتی به دکتر رفتیم تأکید کرد که نشستنت نزدیک به تلویزیون برای چشم ضرر دارد. من هم وقتی مجری شدم دلم می‌خواست همه نکات آموزشی را به بچه‌ها یاد بدهم. البته این موضوع رو بعدها در قالب طنز خیلی‌ها به من یادآوری کردند و می‌گفتند چقدر می‌گفتی برویم عقب؟!... خوب به دیوار می‌خوردیم... (می‌خندد)

بچه‌های دبروز خوب یادشان است که همیشه در برنامه کودک به یک موضوعی خیلی تأکید داشتید، یاد تان هست؟

(با خنده) بله یادم است مدام به بچه‌ها می‌گفتم باز که جلوی تلویزیون نشستید... یاد عقب... عقب... عقب... دلیلی هم این بود که وقتی خیلی بچه بودیم با برادرم جلوی تلویزیون می‌نشستیم و کارتون می‌دیدیم و بعدش از چشم‌مان اشک می‌آمد. وقتی به دکتر رفتیم تأکید کرد که نشستنت نزدیک به تلویزیون برای چشم ضرر دارد. من هم وقتی مجری شدم دلم می‌خواست همه نکات آموزشی را به بچه‌ها یاد بدهم. البته این موضوع رو بعدها در قالب طنز خیلی‌ها به من یادآوری کردند و می‌گفتند چقدر می‌گفتی برویم عقب؟!... خوب به دیوار می‌خوردیم... (می‌خندد)

بچه‌های دبروز خوب یادشان است که همیشه در برنامه کودک به یک موضوعی خیلی تأکید داشتید، یاد تان هست؟

(با خنده) بله یادم است مدام به بچه‌ها می‌گفتم باز که جلوی تلویزیون نشستید... یاد عقب... عقب... عقب... دلیلی هم این بود که وقتی خیلی بچه بودیم با برادرم جلوی تلویزیون می‌نشستیم و کارتون می‌دیدیم و بعدش از چشم‌مان اشک می‌آمد. وقتی به دکتر رفتیم تأکید کرد که نشستنت نزدیک به تلویزیون برای چشم ضرر دارد. من هم وقتی مجری شدم دلم می‌خواست همه نکات آموزشی را به بچه‌ها یاد بدهم. البته این موضوع رو بعدها در قالب طنز خیلی‌ها به من یادآوری کردند و می‌گفتند چقدر می‌گفتی برویم عقب؟!... خوب به دیوار می‌خوردیم... (می‌خندد)

بچه‌های دبروز خوب یادشان است که همیشه در برنامه کودک به یک موضوعی خیلی تأکید داشتید، یاد تان هست؟

(با خنده) بله یادم است مدام به بچه‌ها می‌گفتم باز که جلوی تلویزیون نشستید... یاد عقب... عقب... عقب... دلیلی هم این بود که وقتی خیلی بچه بودیم با برادرم جلوی تلویزیون می‌نشستیم و کارتون می‌دیدیم و بعدش از چشم‌مان اشک می‌آمد. وقتی به دکتر رفتیم تأکید کرد که نشستنت نزدیک به تلویزیون برای چشم ضرر دارد. من هم وقتی مجری شدم دلم می‌خواست همه نکات آموزشی را به بچه‌ها یاد بدهم. البته این موضوع رو بعدها در قالب طنز خیلی‌ها به من یادآوری کردند و می‌گفتند چقدر می‌گفتی برویم عقب؟!... خوب به دیوار می‌خوردیم... (می‌خندد)

بچه‌های دبروز خوب یادشان است که همیشه در برنامه کودک به یک موضوعی خیلی تأکید داشتید، یاد تان هست؟

(با خنده) بله یادم است مدام به بچه‌ها می‌گفتم باز که جلوی تلویزیون نشستید... یاد عقب... عقب... عقب... دلیلی هم این بود که وقتی خیلی بچه بودیم با برادرم جلوی تلویزیون می‌نشستیم و کارتون می‌دیدیم و بعدش از چشم‌مان اشک می‌آمد. وقتی به دکتر رفتیم تأکید کرد که نشستنت نزدیک به تلویزیون برای چشم ضرر دارد. من هم وقتی مجری شدم دلم می‌خواست همه نکات آموزشی را به بچه‌ها یاد بدهم. البته این موضوع رو بعدها در قالب طنز خیلی‌ها به من یادآوری کردند و می‌گفتند چقدر می‌گفتی برویم عقب؟!... خوب به دیوار می‌خوردیم... (می‌خندد)